

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان
لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾

فولادوند: سوگند به این شهر

مکارم: قسم به این شهر مقدس (مکه).

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾

فولادوند: و حال آنکه تو در این شهر جای داری

مکارم: شهری که تو ساکن

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٍ ﴿٣﴾

فولادوند: سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد

مکارم: و قسم به پدر و فرزندش (ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح).

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

فولادوند: براستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم

مکارم: که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او مملو از رنجها است).

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾

فولادوند: آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت

مکارم: آیا او گمان می‌کند که هیچ کس قادر نیست بر او دست یابد؟!

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾

فولادوند: گوید مال فراوانی تباه کردم

مکارم: می‌گوید: مال زیادی را (در کارهای خیر) تلف کرده‌ام!

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

فولادوند: آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است

مکارم: آیا گمان می‌کند هیچ کس او را ندیده (و نمی‌بیند)؟

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

فولادوند: آیا دو چشمش نداده‌ایم

مکارم: آیا برای او (انسان) دو چشم قرار ندادیم؟

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

فولادوند: و زبانی و دو لب

مکارم: و يك زبان و دو لب؟

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

فولادوند: و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم

مکارم: و او را به خیر و شرش هدایت نمودیم.

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾

فولادوند: و [لی] [نخواست از گردنه [عاقبت‌نگری] بالا رود

مکارم: ولی او (انسان ناسپاس) از آن گردنه مهم بالا نرفت!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾

فولادوند: و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست

مکارم: و تو نمی‌دانی آن گردنه چیست؟

فَكَرَّ رِجْلَهُ رِقَبَةَ ﴿١٣﴾

فولادوند: بنده‌ای را آزادکردن

مکارم: آزاد کردن برده است!

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾

فولادوند: یا در روز گرسنگی طعام‌دادن

مکارم: یا اطعام کردن در روز گرسنگی.

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾

فولادوند: به یتیمی خویشاوند

مکارم: یتیمی از خویشاوندان را.

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: یا بینوایی خاک‌نشین

مکارم: یا مستمندی به خاک افتاده را.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾

فولادوند: علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند

مکارم: سپس از کسانی بوده باشد که ایمان آورده، و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می‌کنند.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

فولادوند: اینانند خجستگان

مکارم: آنها اصحاب الیمین هستند (و نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند).

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾

فولادوند: و کسانی که به انکار نشانه‌های ما پرداخته‌اند آنانند ناخجستگان شوم

مکارم: و کسانی که آیات ما را انکار کرده‌اند افرادی شومند و نامه اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود.

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

فولادوند: بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد

مکارم: بر آنها آتشی است فرو بسته (که راه فراری از آن نیست).

